

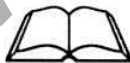
پیشگامان سیارهٔ سرخ

محمدرضا بهشتی





سرشناسه : بهشتی، محمدرضا، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور : پیشگامان سیاره سرخ / محمدرضا بهشتی.
مشخصات نشر : تهران : پیوسته، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۴۴۶ ص.: مصور. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست : رمان
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۱-۶۹-۵
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا مختصر
یادداشت : این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir>
قابل دسترسی است
شماره کتاب‌شناسی : ۳۸۰۱۴۸۹ :





انتشارات پیوسته

۰۹۱۲-۳۲۳۵۵۲۵

Email: PayvastePublications@yahoo.com



نام کتاب: پیشگامان سیاره سرخ

نویسنده: محمدرضا بهشتی

حروف چین و صفحه آرا: ابوالفضل خداپرست

چاپ و صحافی: یکتا پرتو شرق

لینوگرافی: نوید

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۴

ویراستار: ابوالفضل خداپرست

تصویرگر: پویا ف. عدل

طرح و اجرای رایانه: محمد وفایی

ناشر: انتشارات پیوسته

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۱-۶۹-۵ ISBN: 978-964-7091-69-5

WWW: PayvastePublication.Blogfa.com

۷

«پیش گفتار»



قسمت اول

۱۳

«دنیای جدید زندگی جدید»



قسمت دوم

۴۵

«دهانه گیل دهانه ای اسرار آمیز»



قسمت سوم

۷۷

«آغازی دیگر»



قسمت چهارم

۸۹

«زلزله»



قسمت پنجم

۱۰۱

«آن‌ها به فکر خودشان هستند»



قسمت ششم

۱۲۹

«ایده می سوغاتی»



قسمت هفتم

۱۵۱

«سفر پر ماجرا»



قسمت هشتم

۲۰۵

«خبرهای خوش»



قسمت نهم

۲۲۹

«تنهایی»



قسمت دهم

۲۴۵

«ما هیچ وقت تنها نیستیم»



۲۶۷



۲۹۱



۳۱۵



۳۳۳



۳۴۱



۳۶۳



۳۹۱



۴۱۳

قسمت یازدهم

«لحظه تماس»

قسمت دوازدهم

«مهمانی از زمین»

قسمت سیزدهم

«رویای من»

قسمت چهاردهم

«وفاقت»

قسمت پانزدهم

«بار دیگر کودال کیل»

قسمت شانزدهم

«آشیانه بی عقاب»

قسمت هفدهم

«دختر بچه ای در کلونی آسیا»

قسمت هجدهم

«هجوم»

پیش‌گفتار

قبل از هر چیز چند بیتی از شاهنامه اثر شاعر بزرگ و حماسه‌سرا حکیم ابوالقاسم فردوسی توجه مرا به خود جلب کرد:

از آغاز باید که دانی درست	سر مایه سرمایه رنج و بی روزگار
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید	بدان تا توانایی آرد پدید
یکی آتشی برشته تابناک	میان آب و باد از بر تیره خاک
نخستین که آتش به جنبش دمید	ز گرمیش پس خشکی آمد پدید
وزان پس ز آرام سسردی نمود	ز سردی همان باز تری فزود
چو این چار گوهر به جای آمدند	ز بهر سپنجی سرای آمدند
گهرها یک اندر دگر ساخته	ز هر گونه گردن برافراخته
پدید آمد این گنبد تیزرو	شگفتی نماینده نو

و

فلکها یک اندر دگر بسته شد بهنجید چون کار پیوسته شد

و

چنینست فرجام کار جهان نداند کسی آشکار و نهان

خداوند بزرگ در تمامی ادیانش آورده که انسان را در بالاترین موقعیت ممکن آفریده است و راه پیشرفت و به تعالی رسیدن را در اختیارش گذارده تا بتواند راهش را خود انتخاب کند.

از بدو آفرینش پستی و بلندی‌های زیادی را پشت سر گذرانیده است. انسان علاوه بر جنگیدن با طبیعت و حیوانات با خود نیز نبردی پایان ناپذیر داشته. جنگ‌های خونین او را در آستانه نابودی کشانده، اما رفته رفته خود را بهتر

شناخته و به دنبال آن سعی کرد تا از ادوات طبیعی موجود برای خود ابزار بسازد. کاری که او را از بقیه دیگر موجودات زنده متمایز می‌کرد تفاوت غیر قابل باور او در حال حاضر با اجداد گذشته‌اش می‌باشد، اما حیوانات و درختان و گیاهان را که در نظر داشته باشیم بجز تغییراتی اندک تفاوتی با نسل‌های قبلی خویش پیدا نکرده‌اند و حال این که بشر به باوری رسیده که همیشه می‌تواند به تعالی برسد، چرا که این وعده خداوند است و به وضوح مشخص است که انسان موجودی است ناطق و قابل رشد.

متأسفانه در حال حاضر رفته رفته جنگ و خونریزی جایش را به صلح و دوستی و پیشرفت داده به نحوی که احساس کند دیگر زمین برایش کوچک است و تفکر مهاجرت که از غریزه‌های اولیه بشر بوده و هست، رو به آسمان نهاده و از آن شبهایی که از سرکنجکای به آسمان پرستاره چشم می‌دوخت و برای خود رویا بافی می‌کرد تا زمانی که قادر گشت برای خود بال پرواز برای پریدن بسازد، مدت زیادی گذشته است.

اینک این انسان دنیای خود را در صلح و دوستی نگه داشته و مرز بندی‌های نژاد پرستانه را که مدت مدیدی است از خود دور نموده و بجای آن قومیتی در غالب کنفدراسیون و فدراسیون بدون داشتن امتیاز ویژه‌ای نسبت به یکدیگر شکل گرفته، مدت‌هاست که آموخته راه پیشرفت نیز می‌تواند بدون خون و خونریزی صورت گیرد و رشد و ترقی علمی را در جوار یکدیگر نیز شдنی کرده و کم‌کم با رشد جمعیت احساس نماید و لازم دانسته تا از زمین بلند شود و جایگاهی جدید را برای خود مهیا کند.

نزدیکترین مکان نیز در مقابل چشمانش مدت‌هاست خودنمایی می‌کند. ماه درخشان می‌تواند جایگاهی نزدیک و مناسب برای شروع باشد بنابراین تمام همت خویش را به کار برد و از علم خود بهره جست تا امکان زیست را در ماه

بوجود آورد. رقابت فدراسیون‌ها ثمربخش بود و هر کدام به وسع و توان خویش کلونی‌های اولیه را در ماه مستقر کردند.

رفته رفته زندگی در کلونی‌های ماه به حالت عادی و طبیعی رسید و رفت و آمد به آن حالت روزمره را به خود گرفت. حالا دیگر احساس شد که بایستی جسورتر و بی پروا تر شده و جایگاهی جدید را برای خود در نظر بگیرد. از قدیم سیارهٔ مریخ به علت ساختار نیمه مشابه زمین مد نظر قرار گرفت و نزدیک بودنش نیز مزید علت گردید. بنابراین اینک نوبت این سیاره بود که پیشگامان جدید را در خود بپذیرد.

بعد از این که بشر توانست مشکلات پروازی دوربرد را مهیا کند، اولین مهاجرین در دسته‌های کوچک راهی سیارهٔ مریخ شدند و در این راه تعدادی نیز جانشان را فدا کردند، اما انسان خود را فارغ از هر مشکلی می‌بیند. باید رفت و پیشرفت بشر در جلو رفتن است. ماندن را خوب نمی‌داند اگر چه خطرناک باشد. سفینه‌های تخصصی و فنی راه رفت و برگشت را به خوبی پیدا کرد و راه را برای ورود نخستین مهاجرین هموار ساخت. مدت‌ها زمان برد تا بشر بتواند شیوهٔ زندگی را در برهوت مریخ طراحی کند.

این آغاز راه است، راه برای کارهای نشدنی هموار نیست، اما بشر می‌داند که چگونه از پس آن برآید زیرا باور دارد که خداوند او را اشرف مخلوقات قرار داده و این است فرق او با سایر موجودات زنده. او قادر است رویاهای خویش را جامهٔ عمل بپوشاند، رویای سفر به کائنات.

اینک پیشتاژان عرصهٔ علم با شجاعت و تهور قدم به راه پرخطری گذاشته‌اند تا همانند اسلاف گذشتهٔ خود راه را برای نسل‌های آینده هموارتر کنند.